



نویسنده: جیون کولی (Juan Cole) .

منبع و تاریخ نشر: کمان دریم «2020-05-19» .

برگردان: پوهندوی دوکتور سید حسام «مل» .

-----[55]-----

همه گیری های بنیاد گرایانه

Fundamentalist Pandemics

آنچه انجیلی ها می توانند از رباعیات «عمر خیام» بیاموزند

What evangelicals could learn from Rubaiyat of Omer Khayam



در ایالات متحده آمریکا بسیاری از رهبران متنوع مذهبی انجیلی از آزمون خط مشی یا سیاست عمومی استدلال به روش های ظالمانه ناکام مانده اند (عکس cc)

در بهار ۱۸۵۹ سال رمان پاندیمی (همه گیر) ویروس کرونا؛ موضوع رابطه بین نابینا ترین یا کورترین نوع ایمان دینی وشکا کیت عقلانی را مطرح کرده است؛ این بار در دوکشور که خود را در قطب مخالف و متضاد و باهم دشمن میدانند هر یک رهبر معظم عالیقدر ایران علی «خامینی» و دونالد ترامپ در امریکا است.

در طرف امریکا بعنوان مثال: کشیش نیواورلین (New Orleans) بنام تونی سپل (Tony Spell) به دلیل سرپیچی و عدم رعایت برقرار کردن ایجاد فاصله اجتماعی به تجمع عبادت کنندگان در کلیسا متوسل شده دستگیری بار دوم آن به نسبت نه پوشیدن مانتور در مچ پا (اله ای است که در مچ پای کسانی گذاشته ویا متصل میشود که در حبس خانگی باشند) هنگام موعظه به عبادت کنندگان در کلیسا عیلرغم آنکه حداقل یک نفر از اعضای این کلیسا ناشی از کوبد نژده محکوم به مرگ شده بود.

انتشار کتاب مشهور تحت عنوان مبدا گونه ها (species) چارلیز داروین در سال (1859) همانگونه که با استدلال به توضیح انتخاب طبیعت (Natural selection) پرداخت (که تا هنوز بسیاری از انجیلی های امریکایی آن را رد میکنند) ممکن است نقطه مبدا درگیری مدرن بین اعتقادات دینی و علم مابراتی باشد که شکل گرفته است. از سوی دیگر بطور غیر مترقبه دانشمندان در قرن نوزدهم و بیستم با توجه به شهرت ایران در به مبهم بودن دینی یا سوئی ظن داشتن از دین که در مجموعه اشعار فارسی رباعیات عمر «خیام» ستاره شناس در قرن وسطی منعکس گردیده معطوف میگردد عمر «خیام» که در سال (1131) در گذشت.

ترجمه هرچه خوانا و روان اشعار ویا رباعیات «عمر خیام» که توسط ادوار دفیتس گرال (Edward FitzGerald) صورت گرفت آن را بشکل یک مجموعه شعری در سال (1859) منتشر کرد؛ «خیام» را بعنوان یک متفکر آزاد مسلمان قرن وسطا در اذهان جا داد و با توجه در همه مباحثات داغ درباره رابطه بین علم وایمان (اعتقاد) در غرب طی یک قرن ونیم بکار میرفت که از جمله یک وکیل مدافع بنام کلیرنس داراوی (C.Darrow) در «محکمه میمون» در سال «1925» قانون ولایتی را از اینکه معلم از ولایت تنسی امریکا را به نسبت بی خدای بودن و تند ریس تکامل (Evolution) محکوم کرده بودند شکستاند که این خود ناشی از عشق و علاقه به متن و محتوی رباعیات عمر خیام بود که در همه بحث ها و گفتگو ها از آن رباعیات نقل قول میشد از اینکه در هنگام جروبحث استدلال بتواند قوی تر گردد سرانجام اکثر دانشمندان به این نتیجه رسیدند ویاکه مشاهده کردند که برای عمر خیام عرفان های فلسفه و دین بطور یکسان توخالی ولخت بوده است.

انصافاً باید گفت که برخی از رهبران مذهبی از جمله **پاپ فرنسس** (pop francis) **وایت الله العظمی علی سیستانی** عراقی به روزترین (up date) علم و یا دانش را دنبال و از ثمره آن استفاده میکنند و بخصوص که امروز در سطح جهانی همه بخاطر جلوگیری از گزند (کوئید زده) اصل فاصله گرفتن اجتماعی را در نظر میگیرند و یا که از این اصل پذیرفته شده حمایت میکنند - اما در مورد پاپ فرنسس باید گفت که او وقتی در **بونیس** **ایرس** (Buenos Aires) زندگی میکرد بنام **جورج ما ریو برگولیو** (Jorg Mario Bergolio) مسمی بود یا که نام داشت؛ او در آنجا دیپلوم فوق لیسانس را در رشته شیمی بدست آورد پس در واقع باید گفت که او در واقعیت امر چیزی راجع به علم و دانش میداند. قابل تذکر اینکه در برزیل کلسیای کاتولیک با سرپیچی از اوامر دولت سکولار پوپولیست راست افراطی **جایر بولسونارو** (Jair Bolsonaro) طرفدار **دونالد ترامپ** - تمام رهنمودها و دستورالعمل های سازمان صحتی جهان را به ارتباط برخورد با ویروس کرونا پذیرفته و آن هدایات را در برخورد به این بیماری در نظر میگیرد؛ رئیس جمهور برزیل بطرز ناخوشایندی از بحران بهداشت و سلامتی عمومی ملت خود چشم پوشی کرده؛ ویروس **کرونا** را بعنوان ویروس انفلو انزا کوچک و آنرا ناجیز پنداشته و یا که آنرا کنار زده؛ کلیساها را از دستورات دولت ایالتی که به آنها نزدیک هستند معاف کرده - اسقف اعظم از شهری سخت مبتلا به بیماری همه گیر ناشی از ویروس کرونا در منطقه آمازون در واقع علناً شکایت کرده است که برزیلی ها به اندازه کافی این ویروس را جدی نمیگیرند؛ از اینکه در سطح کشور در حال گسترش است و مقامات کلیسا نگران این هستند که دولت با بی کفایتی که دارد بالای بیمارستان ها و کلینیک های مربوط به کلیسا فشار وارد نمیکند که اصول بضر پیشگیری در برخورد با ویروس کرونا را در نظر گیرند تا جایکه کنون این بیماری باعث نابودی اکثر مردم در منطقه شده است.

در اینجا ما شاهد اختلاف بین دین و علم نیستیم؛ بلکه بین انواع ادیان هستیم؛ پاپ فرنسس کاتولیک همچنان به علم و دانش تکیه دارد و به مزایای آن ارجح میگذارد در حالیکه بولسونارو (Bolsonaro) که در خانواده کاتولیک زاده شده و کاتولیک بوده ولی بعداً این یا دین خود را به انجیلی تبدیل کرد؛ چنانچه که به او در سال (2016) توسط کشیشی در رودخانه جردون غسل تعمید داده شد یعنی که از کاتولیک به انجیلی تغیر دین کرد. کنون بولسونارو با (22) فیصد برزیلی های که از پیروان پروتستان نیزم محافظه کاران اند و همچنین با کاتولیک های که نسبت به پاپ فعلی محافظه کارتر هستند مواجه و یا بازی میکند. در حالیکه برخی از انجیلی های امریکایی به دانش و یا علم اتکا دارند چنانچه

که در یک نظر سنجی که در این اواخر توسط نهاد خیریه پیو (Pew charity) صورت گرفت؛ نشان داد که آنها یعنی این انجیلی های امریکایی که به علم و دانش باور دارند به احتمال زیاد اکثر شان غیر مذهبی هستند ولی ایده تحول (تکامل) را رد میکنند و نه از یافته های علم و دانش در پیرامون آب و هوا سخن میگویند. (عملی که بروی آن انجام میشود؛ **پاپ فرانسیس** از آن بشکل بزرگی پیشینیا نی کرده است).

مرگ در کمر بند کتاب مقدس :

در ایالات متحده امریکا بسیاری از رهبران مذهبی انجیلی در آزمایش سیاست های منطقی عمومی که بطرز ظالمانه ای آنرا اعمال میکردند شکست خورده اند. کشیشی بنام رودنی **هاوارد برون** (Rodney Howard Browne) که در نرده ها یا درپله های حاکمیت ویا حکمرانی « دولت استبدادی» بود؛ از بستن کلیسا بزرگ خود در فلوریدا خود داری کرد. تا اینکه پولیس محلی در ماه مارچ او را دستگیر کرد و اما وی حتی اصرار داشت که اعضای در حدود (500) نفر ویا بیشتر از این کلیسا که داخل خدمات اند از جمله موسسان واقعی اند که باید دست به دست باهم ببینوند زیرا که ما احیاگرایان را پرورش میدهیم نه بد اخلاقان و گنهگاران را. وقتی اودید که کلیسای تامپا بای (Tampa Bay) کنار رود خانه ای او « امن ترین مکان» در اطراف بود؛ زیرا که به این مکان محل « نجات» گفته میشود او فقط در اوایل ماه اپریل به خاطر انجام خدمات غرض عبادت پیروان خود بگونه آنلاین اینجا را انتخاب کرد ویا خدمات خود را به اینجا منقل کرد. ولی به احتمال زیاد این کار او نیز به معنی حفظ سلامت جماعت او نبود و شرکت بیمه ای او بعد از دستگیری اش نیز به او توجه نکرد و دادوستد خود را با او به نسبت مقررات محلی متوقف ساخت.

فرماندار فلوریدا **رون دیسانتیس** (Ron Desantis) در اوایل ماه اپریل با صدور حکم سرپناهی در سرتاسر کشور که در آن کلیساها بعنوان نهاد های خدمات اجتماعی معاف شده بودند؛ آب های بیشتری را گل الود کرد؛ این فرماندار (دیسانتیس) گروه از فیسبوک را اداره میکرد - آنچنانیکه اینها حوزه های انتخابی زیادی از پیروان انجیلی ها (اقلیت های محافظان لباس ها و کت و بالابوش از **دونالد ترامپ** و رفقای اش) داشتند و اما در اقدامات خود او و کشیش **هاوارد برون** به سختی تنها بودند. این شما میگوید که همه شما باید بدانید که تا اوایل ماه می بیش از (30) کشیش از پیروان آیین انجیلی ناشی از ویروس **کوید نرزه** در سراسر کمر بند ویا زنجیره ای کتاب مقدس در خواهند گذشت.

دو مرکز لرزه همه گیری « پاندیمیک» :

در تشا به ویا در معادل کمر بند کتاب مقدس؛ رهبر مسلمانان یا پیشوای روحانی

ایران علی خامنه ای در اوایل ماه فبروری ؛ مراجعت افراد زیاد را به دفترش و نیز دست دادن در هنگام بازدید را محدود و متوقف کرد و اما وی اجازه داد که از چهل و یکم «41» سالگرد تاسیس جمهوری اسلامی ایران بدون کدام موانع بزرگ داشت شاننداری بعمل آورده شود ؛ و سپس همچنین در تاریخ (24) فبروری به روند برگذاری انتخابات پارلمانی اجازه داد تا به امید هرچه حضور بیشتر طرفداران جنجالی اصولگرایان اش در قوه مقننه کشور به همین منوال رهبران مذهبی این کشور تا اواخر ماه مارچ ؛ حتی در حالیکه کشور توسط ویروس «کرونا» محاصره شده بود ، آنها با دولتی های یکجا در مقابل این ویروس همه گیر دست به اقدامات لازم نزدند بلکه در حد مقامت علیه این ویروس کاهش بعمل آوردند ؛ چنانچه معین وزارت صحت عامه ایران آقای **ایرج حریری** (Iraj Harichi) با رد اقدامات فواصل اجتماعی در ماه فبروری ضمن تضعیف جدی از شیوع بیماری در کشور ؛ روح و یا شتاب آن لحظه را گرفت . و فقط با خود ویروس (کوید نزده) بخاطر از بین رفتن و مردن مردم قرارداد ببست یا که بینهم عقد قرارداد کردند .

قرار گذارشات رسیده این ویروس در ابتدا در شهر مقدس **قم** منفجر شد و یا که کمر راست کرد - در شهر مقدسی که به بعضی از روایت ها این شهر در قرن هشتم توسط فرزندان پیامبر اکرم (ص) مستقر و یا بنا شده است و در این کشور یعنی در ایران زمین اکثر بخش های آن توسط حوزه های علمیه مذهبی اشغال و مشبوع شده است و دارایی زیارت گاه های زیاده ای است که از جمله یکی از این زیارت گاه های مشهور اش زیارت گاه یکی از فرزندان حضرت محمد (ص) زیارت فاطمه معصومه دختر حضرت اکرم (ص) است . در اواخر ماه فبروری حتی بعد از آنکه مقامات دولتی خواستار تعطیل شدن این حرم شدند ؛ متولیان روحانی آن همچنان خواستار بازدید از مشایعات کنندگان و یا زائران برای بازدید و یا زیارت کردن به این زیارت شدند - این زائران بطور معمول جام برنجی که در اطراف یا دور نزدیک مقبره فاطمه معصومه قرار دارد یا در آنجا گذاشته شده است آنرا حین زیارت کردن لمس میکنند و یا که حتی آنرا می بوسند- روش کلاسیک بخاطر نجات از بیماری ها و بویژه از این بیماری **کوید نزده** بهر صورت دعا در همچو زیارت گاه ها است ؛ ناگفته نماند که متولیان این زیارت گاه ها (همانند پیشوایان انجیلی امریکایی) همچنان اعتقاد دارند که مقدس بودن حرم از زیارت کنندگان محافظت میکند و ممکن است اگر زائرین از سراسر جهان نخواهند که از این زیارت گاه بازدید بعمل آورند و یا که زیارت نکنند مال و منال خود را از دست خواهند داد و به هیچوجه درآمد نخواهند داشت .

ایران با وجود داشتن یک حکومت مذهبی (theocratic) که در آن روحانیون مذهبی از قدرت نا متناسب برخوردار هستند؛ این کشور همچنان دارای یک موسسه علمی و مهندسی قابل توجه و قدرتمندی نیز است؛ که به شکل متفاوت به جهان نگاه میکند؛ حتی که برخی از آنها نیز مسلمانان شیعه ای سختگیر هستند. و اما وقتی در پایان هنگامیکه این ویروس همه گیر کشور را درگیر کرد و میزان مرگ و میر ناشی از آن ویروس در کشور صعود کرد؛ دانشمندان آن کشور بالاخره موفق شدند از اینکه دولت ریس جمهور «حسن روحانی» اقدامات چندی از جمله رعایت فاصله گرفتن اجتماعی را برای عموم مردم طی هدایت نامه ای در ماه مارچ صادر کرد و نیز ادای نماز جمعه را به شکل گروهی و یا جمعی فسخ و بازدید زائران را از زیارت گاه و اما کن مقدسه قدغن کرد هر چند که مانند فلوریدا این اقدامات چندان طولانی مرعی الاجرا نشد یا که به قوت خود باقی نماند.

پس بدین صورت هنگامیکه ایالات متحده در مقیاس همه گیر شدن به این ویروس در جهان شناخته شد؛ پس ایران در خاور میانه بعنوان کشوری مبتلا به این ویروس طرف جلب توجه قرار گرفت که آنرا یک طعم و میل کنجکامی میتوان نامید؛ البته که تحقیر فقط بخشی از مشکل بود؛ وزیر امور خارجه ایران «جواد ظریف»؛ تحریم های دولت **دونالد ترامپ** و محاصره مالی این کشور را به دلیل ضعف دولت مقصر دانست. زیرا ایرانیان حتی در تهیه و تدارک تجهیزات طبی مورد نیاز مانند وینتلاتور ها مشکل داشتند؛ در واقع دولت امریکا همچنین ایران را که به مبادلات و یا با دادوستد با بانک جهانی آغاز کرده بود منع و شرکت های شخصی را که اگر بخواهند با ایران تجارت کنند به وضع تحریم ها تهدید کرد

اما پرزیدنت **ترامپ**، اینکه ایالات متحده واردات پزشکی به آن کشور را محاصره کرده است، انکار کرد، بیانیه ای که از نظر فنی صحیح بود اما به معنای دیگر کاذب است. طیف گسترده ای از تحریم های ایالات متحده، با وجود تلاش های اتحادیه اروپا (که در مخالفت با فشار حداکثر فشار ترامپ علیه ایران) است، مانع بزرگی برای واردات تجهیزات پزشکی ایران ایجاد کرده است تا شرکت ها بتوانند لوازم پزشکی را به تهران بفرشند.

هنوز هم، مانند سیاست های **ترامپ** در ایالات متحده (از جمله ماه ها نادیده گرفتن ویروس) سیاست دولت ایران با ید مسئولیت مهمی در مورد عدم تحمل جزرومد «ویروس کرونا» باشد، که تا اوایل ماه مه، طبق ارقام رسمی، منجر به نتیجه بیشتر شد بیش از (100000) مورد و حدود «7000 مرگ» (تعداد که در پایان، بدون شک میزان کمبود قابل توجهی را نشان خواهد داد).

جهان ریاعیاتی:

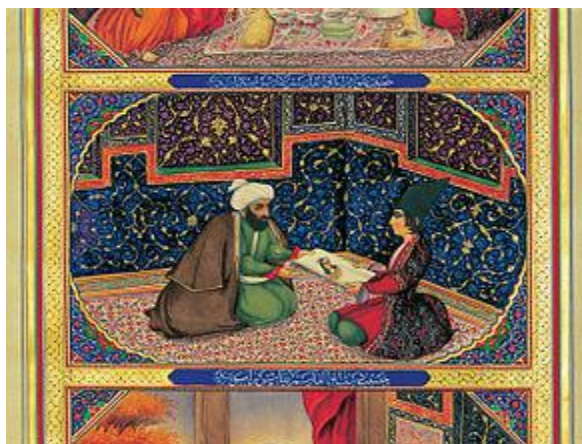
چه در ایالات متحده ویا در ایران بنیاد گریان دینی و مذهبی (یا در مورد امریکا به ترغیب کردن ویا به ترجیح دادن به ترامپ جمهوریخواه که خواسته ای او است) اغلباً در طول موج مراحل ابتدایی از گسترش همه گیر شدن توسط «ویروس کرونا» به سیاست های عمومی ناخوشایند ساخته شده اقدام کردند و در میان چیزهای دیگر مردم را چه در موسسات مذهبی در هر دو کشور وچه در تظاهرات ضد دولتی ویا امریکایی خاموش و آنها را به انجام رفتار های بی پروایانه تشویق کردند که نه تنها فقط خود بلکه دیگران را به خطر انداختند؛ روی هم رفته بگونه طعنه آمیز؛ درگیری ویا مخالفت در هر کشور بین کشیش های نافرجام یا اخوند ها و دانشمندان در این باره، باید جنگ های فرهنگی اوایل قرن بیستم و جا یگاه شعر ایرانی رباعیات «عمر خیام» را در ذهن داشته باشند که در آن زمان موضوع بحث های داغ در غرب بود.

کنون این چنین باعث میشود ویا که لازم پنداشته میشود که ما در این لحظه خطرناک به خواندن مجدد اشعار ویا رباعیات «عمر خیام» دست بکار شویم ویا بپردازیم همانطور که من در مقدمه از ترجمه جدید خود به ارتباط اهمیت ویرمحتوی بودن رباعیات «خیام» نوشتم:

«پیام اشعار..... این است که زندگی معنای واضحی ندارد واز نظر گوارا بودن به قلب بسیار کوتاه مدت ویا که اصلاً ناراحت کننده است؛ مرگ قریب الوقوع است؛ و ممکن است ما زنده نباشیم تا نفسی را که تازه بوجود آورده ایم زنده کنیم. زندگی آخرت یک افسانه برای کودکان است..... تنها راه گذر از این بی عدالتی وجودی؛ لذت بردن از زندگی؛ دوست داشتن کسی و صمیمی شدن با شراب خوب است. از طرف دیگر هیچ دلیلی برای روحیه داشتن با افراد دیگر وجود ندارد.»

برخی از جذابیت های این شعر به میلیون ها سال گذشته از دید ناچیز و دیرینه ای که از آن زمان «مانند کنون» گرفته شده است؛ همانا مبهم بودن دین و مذهب است. **مارک توین** (Mark Twain) به تعجب در مورد این جنجالی بودن گفت: هیچ شعری قبل از ان بمن انقدر لذتی نداده ویا که نه بخشیده است.... این تنها شعری است که من تا حال آنرا در طول (28) سال با خود دارم ویا که نوشتاری این شعر ها را با خود حمل میکنم ویا که از دسترسی به آن دوری نمیکنم. **توماس هاردی** (Thomas Hardy) رمان نویس وقهرمان بریتانیایی از داروین؛ موضوعات و مضامین از شعر ویا رباعیات «خیام» را در برخی از معروفترین داستان های خود انعکاس داده است. **رابرت فورست** (Robert Frost) شعر معروف خود (مشهورانه ای تاریک) را با عنوان «متوقف کردن جنگل در یک

شب برفی» با چهار – رباعیات «خیام» در ذهن خود نوشت و **جک کیرویک** (Jack Kerouac) شاعر ضرب و شتم از سال بهشت، شخصیت غیرمتعارف رمان خود درجاده – در مورد ایده خود؛ در مورد آنچه «خیام» میتوانست الگوبرداری کند الگوبرداری کرد



شهرزاد قصه گوی ؛ شخصیت اصلی ویا با نوی روایتگر داستان های هزار و یک شب

گرچه اکثر مولفین و برنامه سازان آن اشعار را به آن ستاره شناس و ریاضیدان بزرگ دوره سلجوقی نسبت داده اند ؛ اما واضح است که آنها در حقیقت توسط چهره های بعدی ایرانی که از «خیام» بعنوان نویسنده قاب یا چوکاتی (frame author) نام برده اند نوشته شده و آنهم شاید از ترس واکنش به شک و تردید مذهبی که عمیقاً جا سازی شده بوده (یعنی از ترس اینکه مبادا به الحاد و کفر گرفته شوند) در شعر « به همان روشی داستان های هزار و یک شب در قاهره ؛ حلب ؛ و بغداد در طول قرن ها سروده شده و آنرا همه به شهرزاد قصه گویی نسبت داده اند». بخش عمده از این ابیات برای اولین بار در زمان حمله مغولان به ایران در سال (1200) ظاهر شد ؛ لحظه ای خونین که منطقه را به آشفته گی و فلج انداخت ؛ دقیقاً همانگونه که « کوبد نزده » دنیای ما را بحالت ناگهانی و آشفته گی فرو برد.

گویا تخریب شهری وانبوه جمجمه ها ناشی از جنگ کافی نیست ؛ مورخان معتقدند که مغول ها وقتی مسیرهای بازرگانی از آسیا را به خاورمیانه باز میکردند سهواً زمینه گسترش طاعون یا وبا ناشی از مکروب **یارسینا** (Yersina) را مساعد ساختند که این خود موجب بروز طاعون همه گیر توسط مکرورگانیزم بوبونیک (Bubonic) شد (که یک نوع بیماری مکروبی است که ناشی از آن نزد مریض مصاب تورم و تب را بوجود می آورد و ناقل آن موش میباشد) که این طاعون بنا م مرگ سیاه مسمی شد ؛ طاعونی

همه گیر که تقریباً نیمی از جمعیت چین و یک سوم نفوس اروپا را به کام مرگ فرو برد . آنچه قابل تذکر است ؛ اینست که یک محرر یا کاتب در قرن پانزدهم در شهر زیبای ایران زمین بنام شیراز ؛ اولین گلچینی از چهار بیتی ها به عنوان ویابنام رباعیات « عمر خیام » را بدست نشر سپارید که بسیاری از آنها در دوران حا کمیت مغول و همه گیری های بعدی سروده یا گفته شده بود ، خطرات آنچه که اکنون آنرا میتوان بنیادگرایی مذهبی بخوانیم ؛ برخلاف معنویت روشنفکرانه ؛ اینها در سرتاسر و در همه جا در تصادم با این اشعار پرداختند یا که تصادم کردند

در صومعه ها ؛ معا بد و عقب نشینی ها .

آنها از آتش جهنم میترسیدند و به دنبال بهشت میگردند .

اما کسانی که اسرار خدا را می شناسند .

اجازه ندهید که این دانه ها در قلب آنها کاشته شود .

در حالیکه عده ای برای آسایش در هنگام فاجعه به الهیات متوسل میشوند ؛ اما آن چهاربیتی ها «رباعیات» در عوض از همه ما که در اینجا هستیم خواسته است که در مقابل این پرخاشگری ها و یا ناملایمت های که مواجه هستیم تلاش میکنم که قبل از مردن باید آخرین لذت از زندگی دنیوی را چشید ؛ یعنی از مینا های (بوتل ها) شیراز و از لب های یک معشوق در حاشه و یا در گوشه ای از علفزارها .

برای من مثل پول نقد است - و برای شما ، اعتباری به بهشت است .

آنها شرط کرده اند که برخی به بهشت بروند ، و برخی به جهنم .

اما کسی که به جهنم رفت؟ و چه کسی از بهشت بازگشت؟

این شعر برخی از اعتقادات مذهبی را به تمسخر می گیرد و از خیالات اخترشناسی به عنوان یک هدف پراکنده برای سرنوشت سازی مذهب ارتدوکس استفاده می کند . احتمالاً نویسندگان نسبت به اینکه مستقیماً روحانیت قدرتمند ایران را به خود اختصاص دهند ، از طالع بینی حمله ایمن تر احساس کرده اند . اخترشناسان می دانند که اجسام آسمانی ، دور از تحقق سرنوشت دیگران ، در مدارهای چرخیده اند که موقعیت آینده آنها را آسان می توان پیش بینی کرد و بنا براین رابطه اندکی با زندگی انسانهای پیچیده و غیرقابل پیش بینی دارند (دقیقاً مانند مثلاً ، که شما هرگز نمی توانستید پیش بینی کنید یا پیش بینی کرده میتوانستید که انجیلیکی های آمریکایی از انتخاب کاندیدای ریاست جمهوری زن ، چهره نارنجی در سال (2016) و پس از آن ، حمایت می کنند .

ستارگان را به خاطر فضیلت یا تقصیر سرزنش نکنید ،

یا برای شادی و اندوه که سرنوشت حکم می کند!

برای اینکه علم سیارات همه را حفظ می کند

هزار بار در مانده تر از ما .

جنگ ها و همه گیری ها برنده ها و بازنده ها را انتخاب می کنند و - همانطور که همه ما در دنیای سال « 2020 » بسیار به سخت یاد می گیریم - ثروتمندان معمولاً در وضعیت بهتری قرار دارند تا از فقرا در برابر فاجعه محافظت کنند. به اعتباری جاودانه خود، ربوتی یا رباعیات (برخلاف هم ؛ دولت ترامپ و هم ؛ رهبری مذهبی ایران) طرف دوم را گرفت و خاطر نشان کرد که کشندگی مذهبی و خرافات مانند اخترشناسی ذاتاً از یک وضع موجود پوسیده که فقیران در درجه نخست هستند حمایت می کنند. قربانی می شوند ، خواه همه گیر یا هر چیز دیگری:

علایم زودیاک (Zodic = یک باند خیالی در آسمان که محور آن را شامل می شود که مسیرهای ظاهری همه سیارات را در بر می گیرد و به « 12 » صورت فلکی یا علائمی تقسیم می شود که هر یک برای اهداف طالع بینی گرفته شده تا « 30 » درجه طول جغرافیایی را گسترش دهند. **تفصیل توسط این قلم**) شما به هر ویا بخصوص به یک الاغ نر یا اشخاص احمق چیزی می دهید ؛ یعنی شما به آنها حمام های فانتزی ؛ کارخانه ها و کانال ها می دهید ؛ در حالیکه روح های نجیب باید امیدوار باشند تا بتوانند که نان شب خود را بدست آورند.

چه کسی برای چنین صورت فلکی خواهد طپید یا که به اصطلاح گوز میزند. در زمان های خطرناک از خود ما ؛ دولت های بنیاد گرای راستگرایانه مانند دولت های برازیل و ایالات متحده و همچنین بنیاد گرایان مذهبی نیز مانند ایران ؛ با تشویق مجامع مذهبی در زمانی که بیماری همه گیر در حال شیوع است آنها شیوع ویروس کرونا را با تشویق کردن گرههایی ها در مراسم مذهبی و در هنگام ادای عبادات با عدم رعایت از هم فاصله گرفتن و یا رعایت از اصول فاصله اجتماعی ؛ انتشار و زمینه گسترش این بیماری ناشی از ویروس کرونا را بیشتر میسازند - تمایل آنها برای متهم کردن خرد و عقل از یک ایمان کشنده و گمراه شده به یک مشیت فراطبیعی که قانون طبیعی را زیر پا میگذارد « در مورد دونالد ترامپ » با یک ایمان کشنده و گمراه کننده به توانایی خودش در غلبه

برقوانین طبیعی نه گفتن مشیت ؛ مسولیت به ده‌ها هزار مرگ مردم در سراسر جهان بوده است ؛ البته که بعنوان یک نسخه ای بنیادگرایانه نسل کشی به آن اگر فکر کنید.

انگیزه های مالی برخی از این مبهم ها کاملاً واضح است ، زیرا بسیاری از کلیساها و مساجد وابسته به مشارکت جماعت در خدمات برای معیشت ائمه و کشیش ها هستند. تما یل آنها برای طعمه پذیری پیروان خود در تلاش برای ادامه جریان درآمد خود باید اوج ریاکاری در نظر گرفته شود و به اهمیت افرادی که هرگز تسلیم ظرفیت خود برای استدلال مستقل و انتقادی نیستند ، سخن بگویند.

اگرچه شاید این مورد را در سیاره ویا در دنیای **دونالد ترامپ** و **علی خامنه‌ای** مشاهده نکرده اید ، اما به نظرمی رسد حد اقل در دنیای صنعتی ، دین در حال فروپاشی است. یک سوم فرانسوی ها می گویند که اصلاً دین ندارند و فقط « 45٪ » خود را کاتولیک می دانند (با این که شاید فقط نیمی از آنها نسبتاً به ایمان متعهد باشند) ، در حالی که تنها « 5٪ » به طور مرتب در کلیسا شرکت می کنند. اکثر جوانان در « 12 » کشور اروپایی ادعا می کنند که اکنون دین ندارند ، و این امر به آینده سکولار برای بسیاری از قاره ها اشاره دارد. حتی در آمریکای مذهبی عجیب و غریب ، خودشناسی به عنوان مسیحی در « 65 » درصد از جمعیت سقوط کرده است ، یعنی در یک دهه گذشته « 12 » درصد ، در حالی که « 26 » درصد از جمعیت اکنون از داشتن دین خودداری می کنند.

در ایران پس از پاندمی یا همه گیری ناشی از «ویروس کرونا» عملکرد رهبر مذهبی ایران که چطور به عملی اقدام میکند که موجب ویرانگری هرچه بیشتر ناشی از «ویروس کرونا» میشود قابل تعجب نیست و از احساسات مشا به چی در ایران وجه در امریکا شگفت زده نشوید با وجودیکه ایران از طرف دولتمردان امریکا در تحت تحریم های شدید اقتصادی و هرچیزی دیگر قرار گرفته است (اما **دونالد ترامپ** و **علی خامنه‌ای** واقعاً که باهم مشترکاتی دارند. در ایالات متحده امریکا جایی که آسانتر از آنچه اتفاق می افتد قابل ملاحظه است مثلاً وقتی که **دبیلیو جورج بوش** در سال (2000) بعنوان رئیس جمهور امریکا برگزیده شد انجیلی ها یک پنجم جمعیت امریکا را نشان میدادند حالانکه اکنون بعد از سپری شدن دو دهه این رقم از یک پنجم نفوس امریکا به (16) درصد از جمعیت امریکا رسیده است . با توجه به ماهیت غیر قابل پیش بینی دنیای ما (همانطور که ظهور « کوبد 19 » کاملاً واضح است) ، هیچ چیز ، در سکولاریزاسیون شامل نمی شود ، یک خیابان یا یک جاده یک طرفه است. دین کاملاً قادر است تجدید حیات را تجربه کند. هنوز راه مطمئنی وجود

ندارد که تعادل را به سمت شک و تردید به سبک خیام ببندد تا اینکه رهبران برجسته مذهبی برای هدایت وفاداری بخود و به همه کسانی که با آنها در ارتباط هستند ، موج جدیدی از این بیماری را به وجود آورند.

چند سطر در مورد نویسنده این مقاله :

خوان کول تاریخ خاورمیانة و جنوب آسیا را در دانشگاه میشیگان تدریس می کند. کتاب جدید او با عنوان "اعراب جدید: چگونه نسل هزاره در خاور میانه تغییر می کند (سیمون و شوستر)" به طور رسمی در اول ژوئیه منتشر می شود. او همچنین نویسنده مشغول کردن جهان اسلام و مصر ناپلئون است: حمله به خاورمیانه (هر دو Palgrave Macmillan). وی به عنوان مفسر امور خاورمیانة به طور گسترده در تلویزیون ، رادیو و صفحات مختلف ظاهر شده است و ستون منظمی در (Salon.com) دارد. وی (14) کتاب نگاشته ویرایش یا ترجمه کرده است و « 60 » مقاله ژورنالستیکی نیز تألیف کرده است. وبلاگ وی در مورد خاورمیانة معاصر ، کا منت اطلاع رسانی است.

----- **با تقدیم سلامها « 2020-05-25 »**